

همزمان با پایان سفر رئیس‌جمهور به کشور میانجی

## تحریم‌ها باز هم تمدید شد

صفحه ۲

کشتی استقلال چگونه به گل نشست؟



دیدارهای اشتون هماهنگ بود

شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۲ ■ ۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۳۵ ■ ۱۵ مارس ۲۰۱۴ ■ سال ششم ■ شماره ۱۲۷۸ ■ ۱۲ صفحه ■ ۵۰۰ تومان

■ حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی



حجت‌الاسلام و المسلمین ناطق‌نوری:

## اوباما نوکر اسرائیل است

صفحه ۲

یادداشت روز

از هیتلر تا هاینریش بل

## هژمونی نازی‌ها در کی‌یف

■ شروین طاهری

۸۱ سال، پنج روز کم‌این فاصله زمانی آخرین خیزش فاشیستی در اروپاست با خیزش تاریخی نازی‌ها در آلمان میان دو جنگ جهانی‌سوز. اگرچه ماه سپتامبر، سلیقه‌ای سیاه در تاریخ معاصر غرب دارد اما به نظر نمی‌رسد تباه‌تر از فوریه باشد.

۲۷ فوریه ۱۹۳۳ بود که ناسیونالیست‌های کارگری NSDAP ژرمن که بعدها نازی نام گرفتند، به سرکردگی آدولف هیتلر، رایشستاگ (پارلمان آلمان) را به آتش کشیدند و عملاً با اقدام به کودتا دولت رئیس‌جمهور هیندنبِرگ را برانداختند. ۵ روز مانده به هشتاد و یکمین سالگرد خیزش نازی‌ها، در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ این ناسیونالیست‌های افراطی اوکرایین بودند که با تهدید رئیس و نایب‌رئیس رادا (مجلس اوکرایین) و همچنین ۲۰ نماینده حزب حاکم به مرگ، آن را از اکثریت انداختند و بلافاصله دولت رئیس‌جمهور یانو کوویچ را با شبه‌کودتایی برانداختند.

در فاصله این ۲ خیزش فاشیستی، غرب دست روی دست نگذاشته بود بلکه سرمایه‌داران و بانکداران صهیونیست اروپایی و آمریکایی در پشت و جلوی صحنه از هر دو جنبش نژادپرستانه در ۲ کشور بحران‌زده، آلمان دهه ۱۹۳۰ و اوکرایین فلاکت‌زده، حمایت مالی و سیاسی و تبلیغاتی کردند. هیتلر بیش از ۸ دهه پیش با لهله دولت‌های محافظه‌کار لندن و پاریس و



عکس از راهپیمایی در طول امرور



گفت‌وگو با حامد زمانی

خواننده ترانه‌های «مرگ بر آمریکا» و «گزینه‌های روی میز»

# صدای انقلاب است که می‌ماند

■ ماجرای لغو اجرای «گزینه‌های روی میز» قبل از سخنرانی روحانی

■ «مرگ بر آمریکا» یک زبان بین‌المللی است

■ از موسیقی انقلابی می‌ترسند

ایران فروخته است. سازنده‌اش یک بچه‌حزب‌للهی است. کتاب «دا» پر فروش‌ترین کتاب بازار شد، در عرصه موسیقی هم با این همه هواداری که در طول این مدت برای ترانه‌های انقلابی پیدا کردی، منتظریم آلبوم تو پر فروش‌ترین آلبوم موسیقی شود. آلبوم من هم می‌آید. یکسری سایت‌های موسیقی، آهنگ‌های مرا گذاشته‌اند. آمار دانلودشان را ببینید. بالاخره مخاطب، دانلود می‌کند تا بداند حامد زمانی چه خوانده حتی اگر دوست نداشته باشد. این در ذات موسیقی من است. یک عده از حرف‌های من بدشان می‌آید و یک عده دوست دارند. اینجرا حق و باطل است، حرف از اعتقادات است. کسی نمی‌تواند بگوید من ۵۰ درصد امام حسین را دوست دارم و ۵۰ درصد بقیه‌اش را دوست ندارم! یا بگویم من تا فلان جای انقلاب را دوست دارم و بقیه‌اش را نه! یک عده در مقابل آن گارد می‌گیرند و یک عده هم واقعا دوست دارند.

■ دقیقاً موقع مذاکرات، آهنگ «مرگ بر آمریکا» را خواندی. فکر می‌کنی این دولت اصلا به تو مجوز آلبوم می‌دهد؟ مجوز می‌دهد چون اگر درست نگاه کنی، آهنگ «مرگ بر آمریکا» به مذاکرات کمک می‌کرد. هر چند که خدا شاهد است که ما آن را برای مذاکرات نخواندیم. شش‌ان آیین آهنگ بالاتر از آن است که بگویم برای تأثیر روی مذاکرات آن را تولید کردیم. طبیعتاً روی این آهنگ فکر شده بود. البته روی ساخت آهنگ، ۴ روز بیشتر وقت نگذاشتیم ولی ایده موضوع آن حقیقتاً فکر شده و حساب شده بود. قرار بود این آهنگ روز ۱۳ آبان منتشر شود و بعد مصادف شد با فضای مذاکرات و...

■ یعنی پروسه انتخاب شعر و موزیک و... مربوط به چند ماه قبل‌تر از مذاکرات بود؟

ایده کار که مربوط به خیلی قبل‌تر بود. همین الان هم می‌توانم بگویم که ۶ ماه بعد قصد دارم چه آهنگی را بپخش کنم. من برای خودم تقویم دارم ولی وقتی ناگهانی به فضای مذاکرات برخورد کردم عده‌ای شروع به گفتن حرف‌هایی کردند که چرا در این شرایط کنونی این ترانه را کار کردی؟ در حالی که اگر این افراد ذره‌ای از سیاست سر رشته داشتند می‌گفتند: بار کاللا! چون اگر در یک معامله شما مستقیم مطابق میل حریف کار کنی و بگویی ما همه‌جوره مخلص شما هم هستیم، حریف توی سرتان هم می‌زند ولی اگر دشمن بداند هنوز یک عده‌ای در کشور مرگ بر آمریکا می‌گویند در بهبود روند مذاکرات خیلی کمک می‌کند. ترانه مرگ بر آمریکا کارکرد تاریخی- فرهنگی دارد. خواندم که برای همیشه بماند و شعار مرگ بر آمریکا همیشه پابرجاست. مرگ بر آمریکا یعنی مرگ بر ظلم، مرگ بر این همه جنایاتی که اتفاق افتاده، مرگ بر سر بریدن مردم در سوریه، مرگ بر کشتن مردم افغانستان و... همه مردم دنیا بر این مساله متفق‌القولند که تمام اینها مسببش آمریکا بوده‌است. ادامه در صفحه ۹

از همه خوانندگان پای‌پولر سرآمدتر به این موضوع پرداختنی چرا در جشنواره موسیقی مقاومت حضور نداشتی؟

عده‌ای از آقایان گفتند که قصد دارند جشنواره موسیقی مقاومت برگزار کنند، با من هم صحبت کردند، قضیه تا حدودی پیش رفت. کنفرانس خبری، جشنواره موسیقی مقاومت اسلامی هم برگزار شد، قرار شد در برج میلاد برنامه اجرا شود. یک روز با مسؤول برنامه‌های من تماس گرفتند که فردا آقای چه کاری می‌تواند داشته باشد؟ من گفتی برای من که از قبل از برگزاری و برنامه‌ریزی جشنواره در جریان بودم، این طرز دعوت، صحیح نیست. روز بعد تیر زدن که حامد زمانی برای اجرا در برج میلاد نرفت. واقعیت این است که هر چیزی جایی دارد و حرمتی و احترامی. ما نگفتم در کنسرت‌های فلان کار را نکنید یا بکنید اما در جشنواره موسیقی مقاومت یا جشنواره فجر می‌گویم، اعتراض که می‌کنیم هیچ، باید تغییر هم بدهیم. وقتی که این اسم را انتخاب کردید: «جشنواره موسیقی مقاومت» یعنی اینکه اثری که در این جشنواره خوانده می‌شود باید به مقاومت ربط داشته باشد. نمی‌خواهم اشاره کنم اما یکی از همین ترانه‌هایی که در جشنواره مقاومت اجرا شد حتی به شهدا اهانت می‌کند. من می‌گویم هر چیزی جای خودش را دارد. آیا ما می‌گوییم که چرا در رسانه‌ها و مجلات خودتان ما را راه نمی‌دهید؟ این افرادی که بنده به آنها نقد دارم اصلاً دلشان برای پيامی که از دل ترانه‌های زمانی بیرون می‌تراود، نسوخته است! اصلاً حواسشان جای دیگری است.

■ هژمونی می‌رسد ای خیابان‌خواب‌ها، می‌رسد ته‌مانده بشقاق‌ها، در صفوف ایستاده در نماز، این ملجهم‌ها فراوانند باز! این حرف امروز ما است که آن روز زده شد ولی چون در دوره اصلاحات خوانده شده است رفته‌رفته بایکوت شد. اگر خاطرت باشد از سال ۱۳۸۲ بعد از انتشار این آلبوم، وزارت ارشاد در را روی برخی خواننده‌ها بست. خاطرم هست یکی از دوستان، از سال ۸۲ تا ۸۴ تلاش می‌کرد مجوز موسیقی بگیرد. موسیقی‌ای که تم انقلابی، ملی و معترض به جریان‌های اصلاحات داشت و گاهو بغم‌های موسیقی‌اش را ساخته بود. ولی مجوز نگرفت.

حرف من هم همین است که یا درها را محکم می‌بندیم یا باز باز می‌کنیم. من می‌گویم هر چیزی جای خودش! چرا ما جشنواره فیلم عمار راه می‌اندازیم چون اقتدر به حوزه سینمای انقلاب نپرداختیم که شرایط کنونی سینما چنین شده‌است. سوالم این است؛ کجا ما راجع به انقلاب، دفاع مقدس و ارزش‌ها فیلم ساختیم که خوب ساخته شده و مردم استقبال نکرده‌اند؟

■ اینکه همیشه ساطور روشنفکری بالای سرمان بوده، مجموعه اخراجی‌ها، رسوایی و معراجی‌ها همین الان به اندازه در آمد یک‌سال کل سینمای

خواهد شد. البته من هم در ابتدای کار با این مساله مواجه بودم.

■ نمونه‌هایی هم وجود داشته که افرادی قصد داشته‌اند به سمت این کارها بروند. نمونه‌اش علیرضا عصار است که آهنگ‌هایی را با تم انقلابی و مذهبی خواند اما همین فرد در قالب یک جریان معترض اجتماعی وقتی در دوره اصلاحات ترانه ماندگار «خیابان‌خواب‌ها» را در نقد جریان اصلاحات خواند، پس از چندی بایکوت شد! چه اتفاقی برایش افتاد؟

دقیقاً این مساله طبیعی است. ببینید این خیلی واضح است که عده‌ای نمی‌خواهند صدای ارزش‌های ما به گوش مردم برسد. طبیعی است.

■ این جریان دقیقاً چیست؟ همیشه به طور کلی از آن صحبت می‌شود.

نمی‌توان گفت این جریان، چه افرادی را شامل می‌شود چون همه جا هستند. همه جا! اگر هم به دنبال آنها بگردیم، خودمان به این مسائل دامن زده‌ایم. ببینید هیچوقت BBC یا VOA در طول این ۳۰ سال نتوانستند کسی را زمین بزنند یا دلسرد کنند. هیچگاه رسانه‌های غربی نتوانستند این کار را بکنند. اینکه گاهی فردی پیدا می‌شود که از روی دغدغه شروع به خواندن می‌کند و بعد ناگهان دیگر اثری از او نیست پس از خودی‌ها ضربه خورده است. یا آدم پوست‌کلفتی مثل من را می‌خواهد یا

اگر منطقی باشیم، نیاز به تشویق دارد. همه مدام می‌گویند: «مرگ بر آمریکا» فوق‌العاده بود! درست است. من به جرأت می‌توانم بگویم «مرگ بر آمریکا» تأثیر خودش را گذاشت.

■ مصیبت‌هایی تو از اینجا شروع نشد؟ یعنی همان اتفاقی که برای عصار افتاد. یعنی وقتی عصار آن آهنگ اعتراضی را خواند، آیا این ترانه «مرگ بر آمریکا» یک شروع برای کم‌رنگ کردن حامد زمانی نیست؟

وقتی که حامد زمانی «دیزوز، امروز، فردا» و «تحریم» و... می‌خواند کاری به او ندارند. اما حرف و حدیث‌ها مثلاً از چنین جاهایی شروع می‌شود: «مرگ بر آمریکا» یا «گزینه‌ها» و... «مرگ بر آمریکا»، «گزینه‌ها» و... منتشر شد و باعث شد حامد زمانی بیشتر شناخته شود و باعث علاقه بیشتر مردم به او شد. تقدیر خوب است اما من وقتی واقعا است به این مضامین پرداخته نشده‌است؟ چرا نتوانستیم کم‌رنگ‌ترهای فراوانی با همین ژانر اعتقادی انقلابی اجرا کنیم و مردم به بابت آن بول بپردازند. مطمئناً مردم بابت اجرای چنین کنسرت‌هایی پول می‌دهند و حتما حضور پرشورتری خواهند داشت. بنده حداقل تجربه چنین کاری را داشته‌ام اما آنچه جای سوال است این است که چرا آلبومی نداشتیم که پاپ سیاسی یا پاپ مذهبی بخواند و مردم بابت آن آلبوم پول بپردازند؟ چرا چنین حرکت‌هایی در قلب فرهنگ انقلابی جایی نداشتند است؟ به نظر من مساله و سوال اصلی همین است. این ترس و واهمه همیشه بوده که این ژانر موسیقی اعتقادی انقلابی مخاطب ندارد و با شکست مواجه

علیرضا پور صباغ: خواندن ترانه‌ها و سرودهای انقلابی با پایان جنگ در رسانه‌های جمعی تا حدودی کم‌رنگ شد و پس از اواخر دهه ۷۰ تقریباً ترانه‌هایی با انگاره‌های ضداستعماری در مواجهه با تهاجم فرهنگی خوانده نمی‌شد. صدای حامد زمانی صدای نسل انقلابی معترض امروز است که به استکبار جهانی و ریشه‌های ظلم در عرصه بین‌الملل می‌تازد. شاید به اندازه روزنامه‌های زنجیره‌ای و سماعان نرسد که ویژه‌نامه‌های قطور آنچنانی چاپ کنیم اما در پایان سال چند گفت‌وگوی ویژه را به خوانندگان «وطن امروز» تقدیم می‌کنیم که گفت‌وگو با حامد زمانی یکی از این گفت‌وگوها به شمار می‌رود.

■ جریان رسمی سرود انقلابی در سال ۱۳۷۶ تا حدودی متوقف شد. کمی از ورودت به این فضا و احیای ژانر موسیقی انقلابی بگو. حتما مسیر سختی را پشت سر گذاشته‌ای که امروز به عنوان خواننده انقلابی شناخته می‌شوی.

حرف شما درست است. اگر بخوایم دنبال مقصر باشیم تا حدودی خود هنرمندان مقصرند. در واقع مقصر اصلی هستند. ۵۰ درصد بقیه‌اش بین مسؤولان و متولیان امر و از طرف دیگر، رسانه‌ها تقسیم می‌شود. ترسی بین هنرمندان وجود دارد که اگر ما به یکسری از موضوعات ملی بپردازیم یا یکسری مضامین انقلابی را دستمایه خواندن قرار دهیم، این مساله موجب ریزش مخاطبان می‌شود. چرا این اتفاق می‌افتد؟ مگر رسالت هنر جز این است که به همه چیز می‌تواند بپردازد؟ یعنی محدوده هنر آنچنان آزاد است که به هر موضوعی می‌تواند بپردازد. انتخاب من هم همین مضامینی است که به آن می‌پردازم. همیشه بر این باور بوده‌ام که اگر کار درست تحویل مخاطب داده شود طرفدار پیدا می‌کند. مثلاً درباره یک بسته دستمال کاغذی اگر بخوای کاری بسازی و آن را درست بسازی و باور داشته باشی بالاخره مخاطب خودش را پیدا خواهد کرد چون به هر حال افرادی که مثل تو فکر کنند در جامعه وجود دارند، چه برسد به موضوعاتی مثل انقلاب، اهل بیت و ارزش‌ها و اعتقاداتی که میلیون‌ها میلیون نفر طرفدار دارد و در سراسر کشور افراد زیادی پیدا خواهند شد که مثل تو فکر می‌کنند.

■ پس چه شده که در این چند ساله آنتور که شایسته است به این مضامین پرداخته نشده‌است؟ چرا نتوانستیم کم‌رنگ‌ترهای فراوانی با همین ژانر اعتقادی انقلابی اجرا کنیم و مردم به بابت آن بول بپردازند. مطمئناً مردم بابت اجرای چنین کنسرت‌هایی پول می‌دهند و حتما حضور پرشورتری خواهند داشت. بنده حداقل تجربه چنین کاری را داشته‌ام اما آنچه جای سوال است این است که چرا آلبومی نداشتیم که پاپ سیاسی یا پاپ مذهبی بخواند و مردم بابت آن آلبوم پول بپردازند؟ چرا چنین حرکت‌هایی در قلب فرهنگ انقلابی جایی نداشتند است؟ به نظر من مساله و سوال اصلی همین است. این ترس و واهمه همیشه بوده که این ژانر موسیقی اعتقادی انقلابی مخاطب ندارد و با شکست مواجه

تیرتیرهای روز

رهگیری فقط ۳ موشک از ۱۳۰ موشک مقاومت توسط سامانه ضد موشکی رژیم صهیونیستی

## گنبد آهنین باز شکست

■ جنگنده‌های رژیم صهیونیستی صبح جمعه حملات جدیدی را به بخش‌هایی از نوار غزه آغاز کردند



صفحه ۱۱

برنامه احتمالی دولت

برای افزایش قیمت بنزین و گاز در دقیقه ۹۰

## بنزین در بهار ۱۰۰۰ تومان!

دولت گویا در استفاده از مجوز بودجه ۹۲ برای افزایش نرخ مصرفی حامل‌های انرژی مصمم است و بعد از آب و برق به فکر افزایش قیمت بنزین، گازوئیل و گاز پیش از تمام شدن فرصت استفاده از این مجوز قانونی است. ابتدای سال جاری در جریان تصویب قانون بودجه ۹۲ در مجلس شورای اسلامی این مجوز به دولت داده شد تا ...

صفحه ۵

- افزایش ۲۵ درصدی دستمزدها در سال آینده/۳
- نخستین جرقه جنگ در شرق اوکراین/۱۱
- رئیس سیا: ارتش سوریه را دست کم گرفتیم/۱۱
- احتمال ربوده شدن یوئینگ ماز یابی/۱۱
- ۹ کشته و ۹ مفقوداثر انفجار نیویورک/۱۱

نگاه

## دبید کامرون و ستایش او از «هولوکاست ایرانی»

■ عبدالله شهبازی

«پوریم» افسانه است یا بهتر بگویم «اسطوره» است. یعنی واقعیت تاریخی نیست. پوریم جشن پیروزی یهودیان بر دشمنان در ایران است. داستان اینگونه است: استر زیبا، با نقشه پسرعموی سالخورده‌اش مردخی که در مقام پدر و راهنمای اوست، همواره آشورش، پادشاه ایران می‌شود، دل او را می‌رباید و زن قدرتمند ایران می‌شود. هامان، وزیر پادشاه که «دشمن یهودیان» خوانده شده، با دسیسه استر به دار آویخته می‌شود و سپس یهودیان با حمایت استر و مردخی به کشتار گسترده و قساوت‌آمیز مخالفان دست می‌زنند و در پایان جشن می‌گیرند. این جشن «پوریم» نام دارد.



«کتاب استر» در حوالی سده دوم پیش از میلاد ساخته شده. هیچ یک از پادشاهان هخامنشی ملکه‌ای یهودیه به‌نام استر یا نامی شبیه به آن نداشتند و تلاش‌هایی که برای انطباق «آشورش» یا «خاش ورش»، پادشاه ایرانی «کتاب استر» با خشیارشا یا اردشیر اول یا اردشیر دوم شده بی‌پایه بوده است. بسیاری از محققان افسانه استر را برگرفته از افسانه‌های کهن بین‌النهرین می‌دانند که با اسطوره اسرائیلی جنگ شائول بنیامینی، شاه بنی‌اسرائیل با اجاج، شاه عمالیک آمیخته شده. نام «استر» برگرفته از: «یشتر»، الهه سکس و باروری در بابل است و نام «مردخی» شبیه است به «مردوخ» خدای بابلی. در اساطیر بابلی نیز ایشتار عموزاده مردوخ است. در افسانه استر نام دیگر استر بابلی «هدسشتو» به معنی «عروس»، نام دیگر «یشتر» است. روایت‌های دیگر نیز هست که اشاره نمی‌کنم. بحث درباره منشأ اساطیری افسانه استر را باید در مقاله‌ای تحقیقی خواند. به‌رغم عدم انطباق افسانه استر با واقعیت تاریخی، این کتاب جایگاهی مهم در یهودیت یافت. یهودیتی که در دوران مسیحی تا امروز، به‌تدریج تکوین یافته‌است، میرچا الیاده می‌نویسد: «در قرون وسطی کتاب استر در میان یهودیان حداقل از ۳ نظر اهمیت داشت: اول، استر نماد یهودی درباری بود که برای دفاع از ملت خود به مخاطره‌ای را پذیرا می‌شد.

ادامه در صفحه ۱۲